

به رنگ بنفشه‌ها نشیند!! 😊

# نظام مشترک ورود

گاهنامه مستقل سیاسی اجتماعی مشترک موروثی  
دانشگاه علوم پزشکی مشهد، شماره مجوز: ۵۱۸/ک/ش  
سال سوم، شماره هفتم مرداد ۱۳۹۹  
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

# موج دوم

آقای بهداشت

صفحه ۲ صفحه ۳

صفحه ۳ صفحه ۴

مردم چی میکن!!!

کرونای جهانگیر

مجازیون  
پک ویژه مجردین

زندگی، راز بزرگی است که در ما جاریست  
شب آرامی بود  
می روم در ایوان، تابپرسم از خود  
زندگی یعنی چه؟  
مادرم سینی چایی در دست  
گل لبخندی چید، هدیه اش داد به من  
خواهرم تکه نانی آورد، آمد آنجا  
لب پاشویه نشست  
پدرم دفتر شعری آورد، تکیه بر پشتی داد  
شعر زیبایی خواند، و مرابد، به آرامش زیبای یقین  
با خودم می گفتم:  
زندگی، راز بزرگی است که در ما جاریست  
زندگی فاصله آمدن و رفتن ماست  
رود دنیا جاریست  
زندگی، آبتنی کردن در این رود است  
وقت رفتن به همان عربانی؛ که به هنگام ورود آمده ایم  
دست مادر کف این رود به دنبال چه می گردد؟  
هیچ!!!  
زندگی، وزن نگاهی است که در خاطره هامی ماند  
شاید این حسرت بیهوده که بر دل داری  
شعله گرمی امیدتورا، خواهد کشت  
زندگی درک همین اکنون است  
زندگی شوق رسیدن به همان  
فردایی است، که نخواهد آمد  
تونه در دیروزی، و نه در فردایی  
ظرف امروز، پر از بودن توست  
شاید این خنده که امروز، دریغش کردی  
آخرین فرصت همراهی با، امید است  
زندگی یاد غریبی است که در سینه خاک  
به جامی ماند  
زندگی، سبزترین آیه، در اندیشه برگ  
زندگی، خاطر دریایی یک قطره، در آرامش رود  
زندگی، حس شکوفایی یک مزرعه، در باور بذر  
زندگی، باور دریاست در اندیشه ماهی، در تنگ  
زندگی، ترجمه روشن خاک است، در آینه عشق  
زندگی، فهم نفهمیدن هاست  
زندگی، پنجره ای باز، به دنیای وجود  
تا که این پنجره باز است، جهانی با ماست  
آسمان، نور، خدا، عشق، سعادت با ماست  
فرصت بازی این پنجره را دریابیم  
در نیندیم به نور، در نیندیم به آرامش پر مهر نسیم  
پرده از ساحت دل برگیریم  
رو به این پنجره، باشوق، سلامی بکنیم  
زندگی، رسم پذیرایی از تقدیر است  
وزن خوشبختی من، وزن رضایتمندی ست  
زندگی، شاید شعر پدرم بود که خواند  
چای مادر، که مرا گرم نمود  
نان خواهر، که به ماهی هاداد  
زندگی شاید آن لبخندی ست، که دریغش کردیم  
زندگی زمزمه پاک حیات ست، میان دو سکوت  
زندگی، خاطره آمدن و رفتن ماست  
لحظه آمدن و رفتن ما، تنهایی ست  
من دلم می خواهد  
قدر این خاطره را دریابیم.  
سهراب سپهری

# کرونا جهانگیر

شیرین غلامی پور

دانشجوی پزشکی

جهان مانند بیماری است کز بحران برون آید  
علاجش کن به اندیشه مگر لختی شود بهتر  
« امیر معزی »

کرونا بیماری ویروسی بسیار جدی است که تا به حال میلیون ها نفر در دنیا مبتلا شده اند و بیش از صد هزار نفر از بین رفته اند. کارشناسان سازمان بهداشت و درمان و آموزش پزشکی معتقدند اگر دستورالعمل های بهداشتی را رعایت نکنیم به مرور با ابعاد فاجعه آمیز و هولناک تر روبه رو خواهیم شد.

به نظر می رسد بیماری واگیردار در ایران سابقه دارد؛ زیرا در اوایل قرن بیستم مرض وبا و طاعون در ایران شیوع پیدا کرد و اکنون در قرن بیست و یکم گروهی از مردم به ویروس کرونا مبتلا شده اند. در دوره قاجار که بیماری وبا شیوع پیدا کرد مردم شیوه های سنتی درمان را به کار می بردند؛ از قبیل تنقیه، زالوانداختن، بادکش، حجامت و استفاده از گیاهان دارویی و ... در این روزگار نیز هرکس برای درمان نسخه ای می پیچد و طبابت می کند؛ از قبیل نوشیدن الکل به تصور پیشگیری، خوردن سیر، استفاده از روغن بنفشه و ...

اسناد تاریخی نشان می دهد امیر کبیر توانست با اطلاع رسانی و آگاه سازی و همچنین قرنطینه از شهروندان محافظت کند. مرز کرمانشاه قرنطینه شد. امیر کبیر به حاکم کرمانشاه نوشت: «چون آنجا معبر عام است و هرروزه زوار عتبات و سایرین به همه ممالک محروسه تردد دارند، بسیار لازم است که برای محافظت ممالک محروسه از آلودگی، ناخوشی مزبور و نشرسرایت آن، بنای گراختین [قرنطینه] که منفعت آن به کرات به تجربه رسیده است گذاشته شود.»

در ابتدا که امیر کبیر فرمان قرنطینه را اعلام کرد عده ای از مسئولین و مردم مقاومت کردند. حتی بعضی از شهروندان از شهر فرار کردند و از بیراهه خود را به شهرهای دیگر رساندند و توانستند آن شهرها را نیز آلوده کنند. همچنین بعضی از مسئولین هم فرمان امیر کبیر را نادیده گرفتند و خانه نشینی را برای دولتمردان شایسته نمی دانستند اما امیر کبیر توانست بحران و شرایط آن روزگار را مدیریت کند.

در عصر ما نیز بعضی از مردم بیماری، تعطیلی و قرنطینه را جدی نمی گیرند. اگرچه که در ابتدا مردم به دستورالعمل های بهداشتی عمل کردند و تا حدودی بیماری کنترل شد؛ اما بعد از مدتی به دلیل رعایت نکردن برخی موارد شاهد سیر صعودی ویروس کرونا هستیم.

آقای مایک رایان معاون دبیرکل سازمان جهانی بهداشت می گوید: «ما خودمان را فقط مسئول جان مردم نمی دانیم بلکه مسئول معاش آنها هم هستیم و وضعیت اقتصادی بسیار مهم است. وی تأکید می کند بهترین راه برای کاهش صدمات اقتصادی، حمله به ویروس است و سخت گیری خیلی زیاد در این امر.» همچنین معتقد است: «باید ویروس را پیدا و بعد تست، بیماران را ایزوله، قرنطینه و درمان کنید و قرنطینه ها را هم به طور مداوم چک کنید.» گفته های جناب رایان در یک کلمه خلاصه می شود: «سختگیری مداوم» و از آن جایی که در دنیای کنونی برای داشتن و حفظ نعمتی باید هزینه اش را پرداخت؛ بنابراین برای نعمت لاکفی مانند سلامتی بایستی هزینه ی مناسبی پرداخت شود به گونه ای که هرگز جایی برای پشیمانی از اهمال کاری باقی نماند.



استاد بعد امتحان گفت این ترم نمره ها را سریع تر باید آماده کنم، به خاطر شرایط کرونا هیچ کس از فردای خودش خبردار نیست.  
کرونا #مرگ را برایمان باورپذیرتر کرده است.

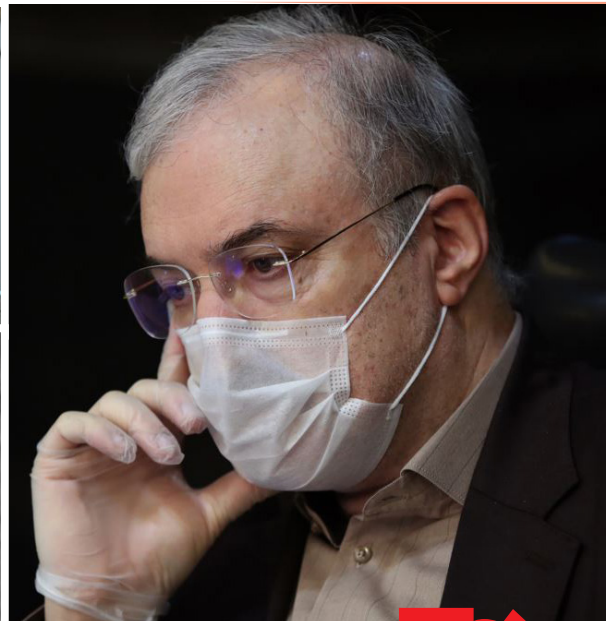
درباره #محرم؛ دربرگزاری عزاداریها معیار آن چیزیست که کارشناسان بهداشت و ستاد ملی مبارزه کرونا می گویند. بنده خودم شخصا هرچه را آنها بگویند عمل خواهم کرد. توصیه من به آقایان مداح و منبری این است که هرکاری میکنید ببینید ستاد ملی مبارزه کرونا چه ضابطه ای را معین میکند، همان را عمل کنید.

کادر پزشکی بیش از ۵ ماه است که زیر بار سنگین کرونا تلفات انسانی می دهد و اکنون سدیداً تحت فشار موج دوم کرونا است، هر تصمیمی که بیماران بیشتری را روانه بیماریتان ها و مراکز درمانی کند خطایی نابخشودنی است

موج دوم کرونا لامصب یه جوریه که با هر کی کار داری کرونا گرفته

جزو کشورهایی هستیم که به صورت جدی درگیر #موج دوم کرونا شدیم! به لطف اقتصاد ضعیفی که باید هر چه زود تر بازگشایی می شد! به لطف سوءمدیریت مسوولین! به لطف بی توجهی مردم!





# تفاهت بهداشتی

ملکاسر  
دانشجوی پرستاری

این بحران ۷۱ جلوتر از این کشورها حرکت کرده. تا اینکه چوب اقتصاد ضعیف بر بدنه ی سلامت خورد و بازی برده را به کرونا باختیم. آن هم با گل به خودی های بازیکنان این مسابقه. بازیکنانی که به تعبیر دکتر نمکی «این مدت برایشان راحت گذشت» گل به خودی هایی از جنس عادی سازی شرایط... به راستی چرا فقط ۰۳ درصد از بودجه ای که دستور مقام معظم رهبری به ستاد ملی مبارزه به کرونا داده شده بود به دست وزارت رسیده؟ کاش لااقل آقای روحانی شفاف سازی کنند مابقی این بودجه چه شد؟؟ البته باید از این واقعیت پرده برداشت که کرونا بحران کوچکی نیست و باید عملکرد وزارت بهداشت را متناسب با بزرگی ماجرا سنجید. با تمام این اوصاف باید کرونای را یک بحران بلند مدت در نظر گرفت و مهم ترین امر در پیشرفت «عدم عادی سازی» در بین مردم است زیرا همان طور که از بحران های گذشته پیداست بسیاری از مسئولیت حل بحران ها، بر دوش مردم است و عادی سازی سمی خواهد بود بدون پادزهر که اگر در جان ملت رسوخ کند خارج کردن آن به نوبه ی خود بحرانی جدید خواهد بود.

شرایط ذاتا غیرعادی و بحران است. با همه این اختلاف نظرها و درگیری های مسئولین بهداشتی و غیربهداشتی و البته نداشتن اختیارات کافی از سوی وزارت باید ببینیم تا اینجا کار عملکرد وزارت بهداشت و ساکن دار آن دکتر نمکی چگونه بوده است؟

نکه قابل توجه این است که: نه تنها در کرونا بلکه در بحران های دیگر نیز خود بحران می آفرینند عدم وجود یک نظام مبتنی بر تخصص در حوزه مدیریت بحران است. یک نظام تصمیم گیر، یک مرجع واحد برای تصمیم گیری و صدور دستور که تمام زیر واحدها و واحدهای مربوط از کوچک و بزرگ با هماهنگی بیشتری در کنار هم قرار بگیرند و در پی اجرای یک تصمیم واحد و تخصصی برآیند. اوایل، اثربخش بودن تلاش ها و کارایی بخش بهداشت و سلامت ایران توسط سازمان جهانی بهداشت نیز تایید شد و به قول خود جناب نمکی با وجود اینکه بودجه اختصاص یافته به بدنه سلامت خیلی کمتر از بودجه دیگر کشورها همچون انگلیس و امریکا بوده، اما ایران در

شاید بتوان اولین جنجالی که دکتر نمکی در ابتدای راه با آن درگیر شد را جمله ی چالش برانگیزشان در رابطه با عزاداری و افسردگی دانست. هرچند این غائله خیلی سریع با عذرخواهی دکتر نمکی و شفاف سازی صحبت هایشان حل شد اما چالشی که این بار دکتر نمکی را حسابی نمک گیر کرده و حالا حالاها هم دست بردار نیست «مدیریت کرونا» است. کرونایی که از چند ماه قبل از شیوع در ایران، چین را درگیر کرده بود و نگرانی ها مبنی بر سرایت این ویروس به کشورمان امری عقلانی و طبیعی بود. موضوعی که شاید مردم با آن مواجهه نداشتند و حداقل این چند ماه را با آرامش خاطر بیشتری گذراندند.

وزیر بهداشت می گوید اواخر دی ماه پیشنهاد قطع پروازهای چین را دادم. اما خب هنوز خیلی از مسئولین غیر بهداشتی، کرونا را ندیده بودند شاید به همین خاطر کم تر نگرانی های وزارت بهداشت را درک می کردند. بماند که حتی بعد از دیدنش هم بعضی مسئولین مان هر شبانه خواستار عادی شدن شرایط می شدند؛ غافل از اینکه

## مجازیون

### پک ویژه مجردین

عطیه حسین زاده بهردمند  
دانشجوی دندان پزشکی

وشغل و مسکن، حالادغدغه این را هم داشته باشد که با ازدواج اجباری اش چه کند. بخدا مغز آدم دود می کند! البته که این شایعه صرفا جهت مشوش کردن جامعه است و نه تنها پیشنهاد مجلس یازدهم نبوده، که صرفا جهت بازی با اعصاب مردم استفاده گردید اما لااقل فرصتی شد تا به مسئولان بفهمانیم اگر دنبال ازدواج و سعادت ما هستید، لطفا پیش از آن ایجاد مسکن و... را هم اجبار کنید تا جوانمردانه بازی کنیم!

شرایط کسی تا ۲۸ سالگی مجرد ماند، آن وقت است که باید تازه آن را ریشه یابی کرد. آدم حتما برای ازدواج نکرده نش در این بساط گرانی ها و بی کاربها دلیل دارد و اگر بدون رفع این مشکلات، ده قانون اجبار ازدواج هم وضع شود بی اثر بوده و فقط خشم مردم را بیشتر می کند. فردی در آستانه ۲۸ سالگی را تصور کن که در این شرایط کرونایی که نمی داند اصلا می شود از خانه خارج شد یا نه، باید علاوه بر نداشتن پول

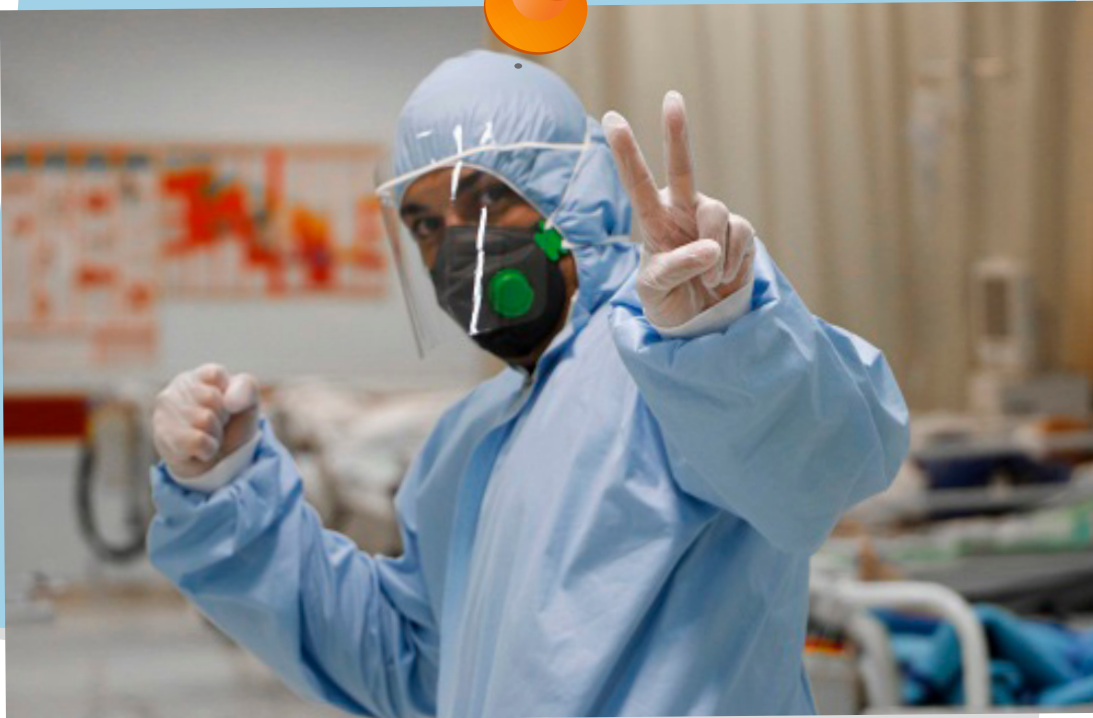
آخ که چه دردی دارد وسط اینهمه اخبار بد، بشنوی که اختیاری ترین مساله زندگی ات را هم اجبار کرده اند. من نمی دانم کجای تاریخ نشان داده که مردم با اجباری کردن یک چیز بیشتر به سمت آن رفته اند؟! البته این قضیه برای مسئولین صدق نمی کند. من میدانم اگر ایجاد شغل توسط مسئولان برای ما اجباری شود، اگر دغدغه مسکن و ماشین و گرانی ها از ذهن یک جوان ایرانی حذف شود و در آن

## حرف آخر...

همیشه سخن آخر را باید اول گفت و به قول شاعر پس سخن کوتاه باید والسلام  
سخن آخر را می خواهیم به همکاران عزیزمان اختصاص دهیم. به نظرم این چند  
خط را می توان به احترامشان ایستاده خواند.

این چند خط حقیر را برای روح و جسم خسته تان می نویسم. برای نفس های خسته  
بدون مرهم و دم و بازدمی که لایه لایه ی حفاظتی را به سخره گرفته و به حق ممد  
حیات و مرفه ذات است. شاید خاطرات تلخ این روزها از یاد برود و شاید بگوییم چه  
قدر به ما سخت گذشت اما بدانید قهرمان این داستان غیر قابل باور شما هستید.  
صیحیح گفتند که تاریخ تکرار می شود و اگر بگوییم روح غیرت مند شهدا در شما رسوخ  
کرده کذب نگفتم. بامرام ها! کمی ها و کاستی هارا تا الان به چشم نکشیدید و دم  
نزدید از فشارهای روانی و روحی و جسمی. فقط خنده های زیبایتان را به یادگار  
گذاشتید. به راستی تاریخ، این لحظات را ثبت کرده تا به وسیله ی آن به آیندگان فخر  
بفروشد. سرتان سلامت و چشمتان روشن به جمال یار که الحق لایقش هستید.

یا علی



## مردم چی میکنن!!!

مهلا اشرفی

دانشجوی پرستاری

مردم این روزها، خیلی حواسشان پی اقتصاد  
و خرید فروش نیست. شاید بحث واکسن  
کرونا و این که چه زمانی می توانند بیرون  
از خانه بدون ماسک و دستکش سیر کنند  
برایشان جذاب تر است.

مردم این روزها، کمی ترسیده اند که:  
نکنند مادرم که بیماری زمینه ای دارد به این  
بیماری گرفتار شود و نکند من ناقل باشم  
وای خانواده ام چه! و اضطراب این افکار  
باعث شده چشمانشان کمتر سفره های بی  
رمق همسایه شان را ببینند. قیمت های سر  
به فلک کشیده ی اجناس و دختران دم بختی  
که نمی دانند باید با رهن و اجاره خانه چه  
کنند و آبرویی که سال هاست خانواده ها به  
جا کرده اند و دست آخر سفره های خالی که  
هر روز خالی تر میشود.

مردم این روزها واقعا نمی دانند در باره چه  
چیز صحبت کنند! اما تا دلت بخواهد برایت  
سوژه ی حرف زدن پیدا میکنم. از ندانم کاری  
های عده ای در موج های اول و دوم کرونا تا  
بی ارزش شدن پول ایران. از هشتگ های  
اعدام کنید پدران تا هشتگ های اعدام  
نکنید پسران. از آینده های نامعلوم کنکوری  
هایی که با هزار امید، هزاران صفحه ی کتاب  
هارا برای بار دویستم خوانده اند تا کلاس  
های مجازی بچه های سیستان. از برگزاری  
عروسی ها تا مراسم عزاداری بدون میزبان  
این که کدام یک از موضوعات برای ترند  
شدن مناسب است و کدام موضوع شایعه  
های بیشتری را در خود جای می دهد نکته  
ی بسیار مهمی است که این روزها به آن  
توجهی نمی شود. فقط مهم آن است که کدام  
یک احساسات مردم را به غلیان در می آورد.

مردم این روزها، کمی بیشتر از قبل خسته  
اند. کمی بیشتر از قبل خواستار واقعیت اند  
و کمی بیشتر از قبل می خواهند دوباره همه  
چیز به حالت ۴ سال پیش بازگردد. زمانی  
که میشد بدون هیچ دغدغه ای در کوچه پس  
کوچه های شهر قدم زد و در مهمانی ها چفت  
یکدیگر نشست و به خاطرات دهه های قبل  
گوش فراداد. مگر میشود آن دوران را فراموش  
کرد که بسیاری از سرپرستان خانواده برای  
خرید مایحتاج زندگی با کمترین اضطراب وارد  
فروشگاه ها می شدند و بدون آن که قیمت  
های دوماه پیش را چک کنند سبدهای خرید  
را مقابل پیشخوان قرار میدادند. مردم دوست  
دارند به زمانی برگردند که دلشان که گرفت  
راه حرم را پیش بگیرند و بدون هیچ ترسی  
روحشان را دخیل پنجره فولاد کنند. مردم  
این که هرروزه ماسک میزنند. اما باز هم  
میتوان فهمید چه میگویند. کافی است به  
چشم هایشان نگاه کنی تا صداهای خفته در  
لابه لای عنبیه را بشنوی.

## گناهنامه

نظام مشترک

گاهنامه مستقل سیاسی اجتماعی

شماره هفتم، مرداد ۱۳۹۹

مدیر مسئول: مهلا اشرفی

صاحب امتیاز: مریم پشت چمن

سر دبیر: زهرا خلوصی

هیئت تحریریه

مریم پشت چمن، مهلا اشرفی، زهرا خلوصی، مهلا مهدی  
شریف، شیرین غلامی پور، صادق هدایتی، مصطفی ملک،  
مطهره شاکریان، عطیه حسین زاده، علی غفاری

صفحه آرا: MMS